

ساخت شکنی روابط سنتی بین معلم و دانش آموز با نگاه به

اندیشه های دریدا

مهدی یوسفی^۱، علی نوری^۲

بیان مساله

منظور از ساخت شکنی^۳ یا واسازی چیست؟ و به چه شکلی می توان از این نظریه پست مدرن فلسفی، در حوزه مسایل تعلیم و تربیت و حوزه های وابسته به آن، استفاده به عمل آورد؟ این سوالی است که پاسخ به آن با مراجعه به دیدگاه های اندیشمندان اصلی این حوزه آسان تر می شود و با عطف توجه به آثار فیلسوفان، می توان امکان و یا عدم امکان کاربرد روشن فلسفی ساخت شکنی را در عرصه مسایل تربیتی به روشنی دریافت. از جمله اندیشمندان تاثیرگذار در این عرصه، می توان به ژاک دریدا^۴ و مارتین هایدگر^۵ اشاره کرد. البته در آغاز، باید اشاره کرد که گشه معتقد است که مفهوم ساخت شکنی را دریدا از هایدگر وام گرفته است و از سوی دیگر، خود هایدگر هم این واژه را از هوسرل، متفکر فرانسوی به ارث برده است (باقری، 1389).

سوال های پژوهش

- 1- ساخت شکنی از دیدگاه صاحب نظران اصلی آن از جمله هایدگر و دریدا به چه معنا و مفهومی می باشد؟
- 2- آیا کاربرد روش ساخت شکنی در حوزه مسایل تربیتی ممکن است؟ اگر پاسخ به این سوال مثبت است، چگونگی این کاربرد در عرصه مسائل تربیتی به چه شکلی می باشد؟

¹- دانشجوی دکتری تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.

Mehdy.u@gmail.com

²- دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تربیت مدرس تهران

Ali.noori@modares.ac.ir

³ deconstruction

⁴derrida

⁵heidegger



چارچوب نظری

واسازی یا ساخت‌شکنی از واژه‌هایی است که بیش از دیگر فیلسوفان همچون هوسرل^۱ و هایدگر و... با نام دریدا گره خورده است. او اعتقاد به آن داشت که فیلسوفان مغرب زمین از زمان افلاطون^۲ تا دوره کنونی، همگی به مسایل مربوط به خرد پرداخته‌اند و بدین علت، خرد محوری در فلسفه غرب^۳ تا دوره متاخر تداوم داشته است. دریدا از این انحراف بزرگ در فلسفه غرب به انتقاد جدی پرداخته است. او معتقد است که در فلسفه غرب همیشه بین دو قطب گفتار در برابر نوشتار، خود در برابر دیگری، مرد در برابر زن و... گونه‌ای تنش^۴ و عدم سازگاری برقرار بوده است که به طور پیوسته، قطب اول بر قطب دوم چیره بوده است و قطب دوم در جایگاه مغلوب قرار گرفته است (ضرغامی، ۱۳۸۹). وی معتقد است که باید با ساخت‌شکنی این مفاهیم دو قطبی در فلسفه و اندیشه غرب، به برهم زدن این شرایط پرداخت و مولفه یا قطب نخستین را از بالا به زیر کشید و قطب دوم را به جای آن نشاناد.

روش‌ها

روش پژوهش مورد استفاده در این نوشتار، روش ساخت‌شکنی می‌باشد. در مورد پیشینه استفاده از ساخت‌شکنی به عنوان یک روش مستقل باید اشاره کرد که گشه^۵ به بحث از ساخت‌شکنی به عنوان یک روش پرداخت (باقری، ۱۳۸۹: ۳۹۱). ضرغامی (۱۳۸۹) اشاره می‌کند که روش ساخت‌شکنی روشی است که در آن به نوعی بازخوانی از موضوع یا سوژه^۶ مورد مطالعه پرداخته می‌شود که هدف آن، باز شناختن روابط بین مولفه‌های متن^۷ و میزان اهمیت هر کدام از آنهاست. در روش ساخت‌شکنی برای تعیین پیش فرض‌ها، اصول و ساختار متن و

^۱husserl

^۲plato

^۳Western philosophy

^۴tension

^۵Gashe

^۶Subject

^۷Text



همچنین زیر سوال بردن این پیش فرض‌های پنهان شده^۱ در متن، به تجزیه و تحلیل محتوا پرداخته می‌شود. در این روش چنین فرض می‌شود که می‌توان از هر متنی، تفاسیر و فهم‌های گوناگونی وجود داشته باشد و به همین علت باید به تجزیه و تحلیل محتوای هر متنی پرداخت و به معنا و مفهوم پویای آن متن پی برد (احترام و دیگران، ۱۳۸۹).

یافته‌ها^۲

طبق یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که نوعی روابط مرکز-پیرامون بین معلم و دانش‌آموز برقرار است که در آن، معلم نقش محوری^۳ را داراست و دانش‌آموز به تبع آن تعریف می‌شود. بنابر نتایج تحقیقات، امروزه تغییراتی در روابط جهانی^۴ اتفاق افتاده است که ضرورت ایجاد تغییراتی را در نظام‌های تعلیم و تربیت، ایجاد می‌کند (برین^۵ و همکاران، ۲۰۰۱). در این شرایط، معلمان باید به جای "چه^۶ و چگونه^۷ یاد دادن"، به "چگونه یاد گرفتن" بپردازند و منابع اطلاعاتی^۸ را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند (رحیمی، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

امروزه روابط سنتی بین معلم و دانش‌آموز دچار تحولات دامنه‌داری شده است و دیگر مرکزیت عمل تدریس، از دست معلم خارج شده است. بنابراین باید به ساخت‌شکنی این تعریف سنتی از نقش معلم و دانش‌آموز پرداخت و جای قطب‌های غالب و مغلوب را در فرایند تدریس بر هم زد. به گفته فارسی (۱۳۸۹) کلاس درس باید از حالت ایستا و یکنواخت معلم محوری به سوی جریان پویای دانش‌آموز محوری تغییر یابد.

^۱Hidden

^۲ results

^۳ Vital role

^۴Global relationships

^۵brein

^۶ what

^۷ how

^۸ Information sources



پیشنهاد این پژوهش این است که: پژوهش‌های پیرامون مسایل مبتلا به کلاس درس و ... به سمتی برود که بتوان از ضرورت نقش آفرینی دانش‌آموزان سخن گفت و دانش‌آموز محوری را تحقق بخشد. بنابراین ضرورت پژوهش در حوزه تغییر نقش معلم، دانش‌آموز و ... کاملاً نمایان است و سمت و سوی پژوهش‌ها در این حوزه باید به زمینه‌سازی ایجاد این تغییر سیر کند.

منابع

- 1- احترام، ابراهیم. بهشتی، سعید. کشاورز، سوسن (1389). *بررسی اندیشه‌های تربیتی دریدا و نقد آن*. فصلنامه رویکرد‌های نوین آموزشی، سال پنجم، شماره یک
- 2- زرغامی، سعید. ساخت‌شکنی جهانی شدن در برنامه‌های درسی با نظر به اندیشه‌های دریدا. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. 1389
- 3- زرغامی، سعید. بازغندی، پروین. نمود شناسی تجربه تحصیل در کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. 1389
- 4- باقری، خسرو. سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه. رویکرد‌ها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات آگاه، 1389
- 5- فارسی، علی. تبیین مبانی معرفت‌شناسی روش‌های تدریس و نقش معلم از منظر ایده الیسم و رئالیسم و نقد آن بر اساس پیامدهای ناشی از پیشرفت فناوری در عصر حاضر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور خوی، 1389
- 6- رحیمی، زهرا. تبیین فلسفی پیامدهای فناوری برای تعلیم و تربیت و نقد آن بر اساس نظریه ساخت‌شکنی دریدا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، 1388
- 7- Breen, Rosanna, Lindsay, Roger, Jenkins, Alan & Smith, Pete (2001). *The Role of Information and Communication Technologies in a University Learning Environment*; Studies Higher Education, volume 26, No. 1, 2001.